

اطلاعیه کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

قوتله جدید رژیم مرتجع خمینی علیه سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

در صفحه ۳

در تنگنای جنگ و بحران رژیم

در ماه گذشته تحولات تازه ای در خلیج فارس رخ داد؛ شکست های تازه ای در جبهه ها شمس جمهوری اسلامی شد، برخی روندهای سیاسی در کشتک های درونی رژیم شتاب گرفت و بحران رژیم در فرازی دیگر، آشکارا زهر زمان را نرسد. در اواخر فروردین ماه، نیروی دریایی آمریکا در خلیج فارس به تعرض تازه و موثری علیه نیروها و تا سیات جمهوری اسلامی دست زد، بیانه های متن حملات تازه، اما بت مین به یک رزمنه و آمریکا شکی نبود. این رزمنه و در منطقه ای می بین اما بت کرد که قبلا توسط آمریکا و متحدان می بین شده بود. در جریان این تعرض، آمریکا، ابتدا دو سکوی نفتی متعلق به ایران به آتش کشید. دو روز بعد، ناوگان دریایی آمریکا با غرق کردن چهار ناوچه جنگی ایران، بیش از ۲۰٪ ظرفیت رژیم نیروی دریایی جمهوری اسلامی را نابود ساخت و چهار روز بعد از این ماجراجویی، دولت ریگان تصمیم تازه خود، مبنی بر افزایش حضور و حمایت گسترده تر از کشتیرانی در خلیج فارس را اعلام کرد. رئیس کمیته نیروهای مسلح ستای آمریکا تهدید کرد که "دوره آزارش در خلیج فارس به سر آمده است..." در این راستا، دولت ریگان تصمیم گرفت که از این پس نیروها و ناوگان آمریکا در خلیج فارس از هر کشتی بی طرفی که مورد تعرض قرار گیرد، صرف نظر از این که با برچگه ها مشخص حرکت کند، حمایت کنند.

تدارک فجایع تازه

جنگ هر زمان در نقطه ای اوج میگیرد، به آتش می کشد، ویران می سازد و قربانی می کند. ماه گذشته کانون شعله های سوزاننده و ویران گر جنگ، بسمه خلیج فارس کشیده شد. این منطقه با ردیگر در توشیح و آشوب فرورفت. عراق با یک حمله هوایی غافلگیرانه با این نفتی لارک و چندین کشتی بزرگ و کوچک را - که در صدور نفت ایران اهمیت بسیار داشتند - به آتش کشید. این حمله که نامی از برتری هوایی عراق نبود، نظرا لتصادف ضربه سختی بر رژیم جمهوری اسلامی وارد آورد و جریان صدور نفت را که برای ادا مه جنگ اهمیت حیاتی دارد، دچار آسیب های جدی ساخت. گسترش عملیات دریایی، خطر برخورد های تازه بین ناوگان آمریکا شکی مستقر در خلیج فارس با جمهوری اسلامی را افزایش داده است. آمریکا به متا به یک میهمان ناخوانده به برکت ادا مه جنگ، دیگر چنان در خلیج فارس جا گیر شده است که خود را از هر جا حیفا نه ای دارای حق و حقوق بیشتری میداند. ناوهای جنگی آمریکایی در همه جای خلیج فارس گشت می دهند و آماج ده شده آفرینی و تها و زگری اند. آنچه که حضور گستاخانه آنها را در مرزهای جنوبی کشور ما، موجب شده، ادا مه جنگ و سیاست های ماجراجویانه رژیم خمینی است. این وضعیت خلیج فارس را آتسمن حوادث پیش بینی شده و غیر قابل گذشتی ساخته که می توان منجر به فجایع تازه ای شود. برای کشورهای دیگر، به جنگ بگنا بند، بیگانه را با زگره دادن آزارش به خلیج فارس و جلوگیری از خطر بروز یک جنگ منطقه ای قطع جنگ ایران و عراق است. برای این کار باید سیاست جنگ طلبانه رژیم خمینی مها شود و ناوهای کشورهای غیر ساحلی از خلیج بیرون روند. آمریکا نمی توان ندونمی خواهد آزارش و امنیت به منطقه را با زگره داد. تاسمین آزادی کشتیرانی در خلیج فارس و نظارت و کنترل بر آن با به عهده نیروی دریایی و ویژه ای زیر نظر سازمان ملل متحد اگذا زگره داد. در ماه گذشته، جنگ شهرها فروکش کرد. اما بمبارانهای پراکنده نقاط مسکونی و مراکز اقتصادی ادا مه یافت و قربانیها و ویرانهای تازه ای به بار آورد. خطر شروع مجدد دوره تازه ای از کشتارهای مهیب همچنان باقی است. دیگر هیچ کس، نه در ایران و نه در عراق به قول و قرارها و تضمین های دور رژیم آدم کشی که به سخنان خود نیز کوچکترین ارزشی قائل نیستند، با ورنه دارد. جنگ شهرها به جزئی از روند جنگ تبدیل شده است. هر جا دهنه کوچک می توان با ردیگر کا بوس دو ما هوشک باران های اخیر را زنده سازد. آنچه بر ابعاد دظرمی فرزند، گسترش تکران کننده بمبارانهای شیمیایی و خطر بروز مجدد جنگ شهرها، این با ربا استفاده از سلاح های شیمیایی است. رژیم های خمینی و صدام نشان داده اند که از دست زدن به چنین جنایت وحشیانه ای نیز با ندارند و هر از گاهی آن را در شهری کوچک و روستاهای دور افتاده می آما بند. عراق ماه گذشته، رسما به استفاده از سلاح های شیمیایی اعتراف کرد و آن را اقدام ویا سخ متقابل به بمبارانهای شیمیایی از سوی جمهوری اسلامی خواند. کمیسیون ویژه سازمان ملل متحد که از ایران و عراق با زدید کرد نیز وجود

انتخابات، نمایشگر تباهی رژیم

دور دوم انتخابات در ۲۳ اردیبهشت برگزار شد و سرانجام تدارک وسیع و طولانی خمینی، بیست و هفتاد و یک سالگی، در فضا ئی انباشته زده شنام، افشاگری، اشتهار منی، درگیری و سرقت و قیقا نشه آرا و صندوق ها و انباشتاراکا ذیب "بزرگ ایسساد"، به نتیجه مطلوب خلیفه جماران منجر شد و مجلسی با اکثریت نیرومند عتا سرکوش به فرمان خلیفه، مهیا گردید. اگر در دوره های قبلی، عوامل رژیم داخل و تصرف دشمارش را ارحق الزحمه با نده خود را از زخمین آرا برداشت می کردند، این بار رشتها با بار، به سرعت "منسزل مسکونی" منتقل شد. به این حقیقت، محمدرضا با هنر، نما بنده مجلس دوم و کارکنان دیادی رسالت برای مجلس سوم، اعتراف نمود، با هنر بیسه افشای گوشه های دیگری از اقدامات وزارت کشور خمینی نیز دست زد، و ایا داد و رشد:

بقیه در صفحه ۱۱

قطع رابطه عربستان با جمهوری اسلامی

دراوئل اردیبهشت ماه سال جاری، دولت عربستان سعودی رابطه سیاسی خود را با جمهوری اسلامی قطع کرد. مناسبات سیاسی عربستان با رژیم خمینی پس از کشتار خونین سال گذشته در مکه، نیز به شدت تیره شده بود. اما اینک رابطه سیاسی میان دو کشور، رسما قطع شده است. خمینی در اواخر فروردین ماه سال جاری در دیداری که با گروسی، خاتمی و امام جماعتی داشت، بر اجات اعلام کرد، که با یستی اصال نیز ما نندمال قبل، زوار ایرانی به نظا هرات "برائت از مشرکین" بپردازند، او از جمله چنین گفت: "ممکن نیست حجاج ما به حج بروند و دست به نظا هرات سیاسی زنند". با این سخنان، خمینی آشکارا ساخت که سال نیز ما نندمال گذشته، او قصد دارد مراسم حج را به قربانگاه حجاج تبدیل کند.

پس از سخنان تحریک آمیز خمینی، که بیننده عربستان با حضور فید، تشکیل جلسه داد و در بیان این جلسه اعلام نمود که "به علت تعمیر اماکن مقدسه عربستان سعودی تاگزیر است تعداد زائران خانه خدا را کاهش دهد و به هر کشور، نسبت به جمعیت آن سهمیه بدهد". به دنبال این تصمیم، دولت عربستان اعلام کرد، از ایران فقط ۴۵۰۰۰ هزار زائر قبول خواهد کرد، در حالی که رژیم خمینی خواهان اعزام ۱۵۰۰۰۰ زائر به حج بود. واکنش عربستان سعودی در مقابل سخنان تحریک آمیز

در این شماره

- ☆ یاب شکل بحث جمعی در صفحه ۳
- ☆ نمایش حضور زنان در مجلس ارتجاع در صفحه ۴
- ☆ افزایش دستمزد، خواست کارگران در صفحه ۶
- ☆ روحانیت و خمینی در عصیان ۱۵ خرداد... در صفحه ۵

بقیه در صفحه ۲

تکانه نوین در سیاست اصلاحات چین

در صفحه ۸

ریشه و علل درگیری در لبنان

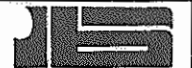
در صفحه ۹

این اقدامات آمریکا باعث شده که دست عسراق برای گسترش حملات به نفتکش های ایران باز تر شود. رژیم عراق با استفاده از فرصت، در مدتی کوتاه ۱۴ نفتکش و ا بسته به ایران و از جمله، بزرگ ترین نفتکش جهان را که در اجاره ایران بود، مورد حملات سنگین قرار داد، تلفات و خسارات زیادی به بار آورد. در حالی که جمهوری اسلامی از واکنش در برابر تجاوزات ریگان در خلیج و حمله متقابل به کشتی های کشورهای عربی و حاکم عراق با زما نند.

همزمان با تجاوزات راهزنانه ریگان در خلیج، جنگ در جبهه ها حمله عراق به "قا" شدت گرفت و به شکست سنگین سپا سیا حینی و با زپس گیری "قا" توسط ارتش صدام انجامید. شکست در "قا" که دو سال قبل به بهای جان بیش از ۵۰ هزار جوان ایرانی صرف شده بود، موقعیت جمهوری اسلامی را در جبهه ها به شدت تضعیف کرد، در درون حکومت و نیز در میان مردم میهن ما و مجمع بین المللی با زتاب گسترده ای یافت و فروما ندگی سران جنگ طلب رژیم و بیای بنده بودن سیاست ادا مه جنگ را نمایان تر ساخت. مجموعه این تحولات که بیای بی و به سرایت افشا ق افتاد، به نوبه خود، باعث شد که بحث در باره مسائل مربوط به جنگ و خلیج در اظهنه سارا ت و موضع گیری های مقامات رژیم که بیای تکرارا پیش تشنت و سر درگمی در میان مقامات با کده می بود، در صفحات روزنامه های رژیم با زتاب با کده، سرمقاله نویسی روزنامه اطلاعات، بر ضرورت تدوین سیاستی تازه تا کید نمود. در حالی که فرستجانی، اما بت مین به رزمنه و آمریکا شکی را توخته ای از اجا نسب دولت ریگان برای جلوگیری از خروج مین روبه پای متعلق به متحدان اروپا ای آمریکا خوانند و بر بودن هوا پده ای کویستی را نیز توخته ای برای تحت الشعاع قرار دادن جنبایات رژیم صدام در خلیج، بنا میسند. روزنامه مکیهان به اتاتقاد علنی از موضع فرستجانی پیرامون هوا پیماربا ئی دست زد و بیسارای از مقامات ریز و درشت رژیم، اما بت مین به رزمنه و آمریکا شکی را، ضربت "نیروهای اسلام" به "کفر" چپانی تا میداند. "دفتر تحکیم وحدت"، بخشش از بیای نیه انتخابی خود را به حمله به کسانای اختصا داد که به جنگ و راه حل نظامی بیای لارمرا نندهند. همزمان با تشدید مدا خلالت تها و زکارا نند

امپریالیسم آمریکا در خلیج فارس و تشدید جنگ در جبهه ها، عربستان سعودی، روابط سیاسی خود را با رژیم خمینی قطع کرد و کنفرانس فوق العاده و یک رابه شکست کشتا زود بدین ترتیب، رشتا را آمریکا به جمهوری اسلامی با اقدامات عربستان تکمیل شد. تعرضات آمریکا و صدام در خلیج، تصادف در میهنه و نیست، رژیم خمینی برای سر با نگه داشتن ما شین بقیه در صفحه ۲

زنده باد صلح، زنده باد آزادی، مرگ بر خمینی



اطلاعیه کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

نوطه جدید رژیم مرتجع خمینی علیه سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

حکام مائل فئالیسم را با زهم تقویت کند. اقتصاد معنی دار را دیوهای آمریکا، بی بی سی و صدای آلمان دریا زتاب فوری اظهارات ما مورا طلاعاتی رژیم، متقابلا نشان دهنده توجه خاص امیریا لیستیا به جرایم سوزناش دادن های سردمداران حکومت است. آنها مکشیف جاسوسی به فدائیان خلق در عین حال نشان دهنده هراس بی بی سی با این رژیم زیویونست ناگسستی مردم فدائیان خلق، این رژیم گسستن خستگی نا پذیرانه، استقلال، آبادانی و شکوفایی ایران است.

رژیم سرکوبگر، همچنین با دروغ پسران را از پیرامون به اطلاع کشف دو فقره بمب از رفقایای زدا شده، قصد دارد تا با استناد به این نقشه های جنا پتکارانه و تروریستی خود علیه این رفقا و نویسندگان رفاقی که مدت ها است زیرا عدا مقرر در اندام پیدا کرده، به علاوه مزدوران منبیتی رژیم در مشهد به نحوی دریلانه و توطئه گرانها از فداییه (اصطلاح دارای ما موریت معین و در راه پناه، رفقا یا ما میسرده است که سزود و یوج محض است. هدف رژیم از این است تا این برداری و این رابطه موهم، ایجا دفعای بدبینی در بین نیروهای انقلابی و ترقی خواه میهنان و یک تفرقه افکنی آشکار است.

رژیم خمینی با هیچ قدام سرکوبگران نیستند استناد و نخواهد نمود اندت مبارزه خستگی پذیر فدائیان خلق را حتی برای یک لحظه متوقف کند. خمینی با بدیدانکده هیچ بهتان و تهمت زدنسی نمی توانند بر پیوندنا گسستی مردم ایران با فدائیان خلق خلیل وارد آورد. هرچنا بت، هر توطئه و هر دروغ از سوی رژیم جنگ افروز، مستبد و خصم مردم علیه فدائیان خلق، حقا نیت هر چه بیشتر میسرده سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) را به اثبات می رساند و تحکیم بینش از پیش پیونده توده های مردم و سازمان منجر می گردد. خمینی با بدیدانکده با هیچ حیل دریلانه و تفرقه افکنانه ای نمی تواند حتی ذره ای هم عز فدائیان خلق در راه اتحاد دهمه

حزب و مائل مردم با حده آنها، توسط توانایی منو به نگرده هیدم حزب در سال ۱۹۴۹ تفصیل مشخص شده است. برای کشف این سرسری این حقیقت شناخته شده است تا اعفای از کمیته مرکزی را که از عهده نجا موظایف برینا مدها، خراج و اعضای دیگری را جایگزین آنها نماید، اما اتحاد آنها با نیایدیشترا از یک پنجم کل تعداد اعضای کمیته مرکزی منتخب نگرده باشد. یک کنفرانس می توانست اعفای جدید را از میان اعضای لیدل کمیته

احزاب و سازمان ها و شخصیت های صلح دوست، آزادی خواه، ترقی خواه و انقلابی میهنان علیه رژیم ولایت فقیده را ست کند. ما همه هستی خود را برای بیروزی مبارزه خلق در راه سرنگونی جمهوری اسلامی نهادیم. ما می دانیم که پیگرا رعا دلانه ما علیه جنگ، علیه آزادی کشی و به خاطر بیهوشی و وسادات مردم ایران، سازمان ما را تا ما جانتقا جوئی رژیم جنا پتکار خمینی قرار داده است. ایمان فدائیان خلق به بیروزی خلق، بیکران است این ایمان با هر توطئه و جنا پتی راسخ ترمی نمود. برچم بیکسار فدائیان خلق در صحنه نبرد مستقیم و مقدم علیه رژیم خمینی برافراشته است و همچنان برافراشته خواهد ماند.

رژیم مستبد و فدمردمی خمینی از هیچ توطئه و جنگ روانی که از طریق آن بتواند علیه فدائیان اسپر دست به جنا پت بزند، کوتاهی نخواهد کرد. جان و حیثیت انقلابی رفقای ایسرما در خطر است. کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) از همه هموطنان شرافتمند و آزادی خواه، از همه احزاب و سازمان های دمکراتیک و شخصیت های دمکرات ایران تقاضا دارد که هر چه در امکان دارند برای افشای آنها که مگذرا شتن مطامع جنا پتکارانه رژیم علیه فدائیان کرد و علیه هم زندان نیا سیاسی کشورها را بگیرند. برچم رژیم زده متحد برای نجات جان هم زندان نیا سیاسی را برافرازم.

هموطنان مبارزان، به خاطر نریل به صلح و دمکراسی و برای دستیابی به عدالت اجتماعی، مقوف فدائیان خلق را تقویت کنید، علیه سرکوب، زندان، شکنجه و عدا مفرزندان خود با ننگ اعتراض را رسا تر سازید.

بیروزی دمبار زه خلق در راه سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی زنده باد سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) ۱۵ اردیبهشت ۱۳۴۷

مرکزی انتخاب کرده و به همان میزان اعضای علی لیدل جدید برای جایگزینی آنها انتخاب کند. تصمیمات یک کنفرانس را سرسری منوط به تصویب کمیته مرکزی بود، به استناد تصمیمات مربوط به جا بجای اعضای در کمیته مرکزی و انتخاب اعضای علی لیدل کمیته مرکزی بر سرترا زسازی و نوسازی انقلابی جاری در بقیه در صفحه ۲

مطبوعات حزبی تا کدی می کنند که چین بسا استواری کامل، سیاست خارجی مستقل خود را دنبال خواهد نمود و روابط دوستی و همکاری را با همه کشورها براساس اصول چهارگانه همزیستی مساومت آمیز را گسترش می دهد.

زیر نویس ها: ۱- "اصول چهارگانه ناعبارتند از: "سوسیالیسم، دیکتاتوری دمکراتیک خلق، نقش رهبری حزب کمونیست، مارکسیسم-لنینیسم و اندیشه مائو تسمه دون"

۲- علاوه بر حزب کمونیست، حزب خاکمدر چین، چندین حزب و گروه سیاسی بورژوازی وجود دارند. اتحادیه (لیگ) دمکراتیک چین، جامعه سخنان دمکراتیک و ملی چین، حزب عدالت چین و ...

۳- این اصل که توسط چین به پیش برده شد، همزیستی دونظام اجتماعی - اقتصاد (سوسیالیسم و سرمایه داری) در درون یک حکومت - جمهوری خلق چین - را برای یک دوره معین ایجاد می کند. مثلا، طبق توافق بین چین و بریتانیا، کبیر، پس از تجدید حق قیومیت به فرهنگ کنگ در سال ۱۹۹۷، به مدت ۵۰ سال نظام سرمایه داری در آن منطقه، همچنان پار نظر خواهد ماند.

۴- در سیزدهمین کنفرانس حزب، شیوه جدیدی برای انتخابات کمیته مرکزی ج. ک. ج. و کمیسیون مرکزی ج. ک. ج. برای بازسازی انضباطی به کار برده شد: تعداد دکاندیده ها، دردمدیشترا از تعداد اعضاء کمیته مرکزی بود و تعداد دکاندیده ها برای اعضای علی لیدل، ۱۲ دردمدیشترا از تعداد بود که می یاست انتخاب کردند. کنفرانس برای این روش یک رشته اطلاعات اساسی دیگری را در اسانماسه ج. ک. ج. و ارد کرد.

۵- بر طبق آمار منتشره از سوی ژن مین ژیا شو از زمان برگزاری دوازدهمین کنفرانس ملی در سال ۱۹۸۲، ج. ک. ج. با بیش از ۱۳۰ حزب سیاسی در خارج پیوند برقرار کرده و با تجدید رابطه کرده است.

برگرفته از نشریه "مائل صلح و سوسیالیسم" شماره ۲ سال ۱۹۸۸

یاب شکل بحث جمعی

در برنامه ژوئن ۱۹۸۷ کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی، تصمیم گرفته شد که نوزدهمین کنفرانس سرسری حزبی فراخوانده شود. قرار است که این کنفرانس در ۲۸ ژوئن ۱۹۸۸ برگزار گردد. این یک واقعه تاریخی بزرگ در زندگی حزب و کشور شوروی خواهد بود. برای کمونیست های شوروی، این در واقع آزمایشی است در موضوع اصلی زندگی اجتماعی: نوسازی. چه فرقی است میان یک کنفرانس حزبی و یک کنفرانس حزبی؟ این تفاوت توسط برنسون و ایلسلی بندار، دکترای علوم (تاریخ)، مسئول بخش توسعه حزب در استیتوما رگسیسم-لنینیسم کمیته مرکزی ج. ک. ج. ش ذیلا شرح شده است:

کنفرانس بالاترین ارگان حزب کمونیست های شوروی است. قدرت و کارکرد های آن بسیار وسیع می باشد. کنفرانس های عمومی حزب، شکلی از مباحث جمعی در مورد مسائل اساسی حزب و مقولات عاجل فعالیت حزب بین کنفرانس ها است. کنفرانس ها، هر وقت که ضرورت ایجاد کنند، فراخوانده می شوند.

در تاریخ حزب کمونیست اتحاد شوروی، ۱۸ کنفرانس وجود داشته است، اولین آنها در سال ۱۹۰۵ و آخرین آنها در فوریه ۱۹۴۱ برگزار گردید. در ابتدا اصول استواری حاکم بر سازمان کنفرانس ها نبود. ترکیب شرکت کنندگان در این کنفرانس ها را کمیته مرکزی حزب انتخاب می نمود. بدین ترتیب، اولین کنفرانس به وسیله سه نمایندگان سازماندهی شده بود که برای شرکت در یک کنفرانس حزبی منظم، آماده بودند و کنفرانس به خاطر وقایع انقلابی آشفته از زمان تشکیل شده بود. کنفرانس هشتم (دسامبر ۱۹۱۹) بر اساس سهمیه معینی از نمایندگان فراخوانده شد. بعد از کنفرانس هیجدهم حزب (مارس ۱۹۳۹)، نمایندگان کنفرانس را بر طبق قوتایین مصوب کنفرانس انتخاب گردیدند. فواصل بین کنفرانس ها نیز متفاوت بود. دستور جلسه کنفرانس ها، دامنه وسیعی از مسائل مربوط به فعالیت حزب را در بر می گرفت، نظیر مسائل مهمی چون مسائل ارضی، ملی، کتیک ها و توسعه حزب.

بعضی از کنفرانس های عمومی حزب در مقام خاص مبارزه انقلابی فراخوانده شدند و تصمیماتی اتخاذ کردند که پیشرفت بیشتر فعالیت حزب برای دوره طولانی که در پیش داشت، کمیته مرکزی را انتخاب کردند تا ترکیب آن را تغییر دهد. مقام کنفرانس با نمایان بالاترین ارگان های

تکانه نوین در سیاست... بقیه از صفحه ۹ - ضرورت بحث فکرا از ادگانا، حقیقت را با بدارتو افعیت ها مستحکوم و براتیک را به عنوان تنها معیار حقیقت انتخاب نمود؛ - مردم با بدارتو افعیت ها مستحکوم و براتیک را به عنوان تنها معیار حقیقت انتخاب نمود؛ - مردم با بدارتو افعیت ها مستحکوم و براتیک را به عنوان تنها معیار حقیقت انتخاب نمود؛ - اقتصاد سوسیالیستی، یک اقتصاد دکاندیده است؛ - فرم، نیروی محرکه مهمی برای توسعه یک جامعه سوسیالیستی است؛ - با زیودن درها، به روی دنیای خارج برای نوسازی سوسیالیستی، ضروری است؛ - فرهنگ پیشرفته سوسیالیستی، یک خصوصیت ضروری جامعه سوسیالیستی است؛ - یکی کردن دوباره سرزمین مادری، با بدبنا کارست اول، یک کشور، دونظام، به مدت آید؛ - شیوه کار خوب برای موجودیت حاکم، حیاتی است؛ - رابطه با احزاب کمونیست و احزاب دیگر در سایر کشورها، با بدرخط اصول استقلال، برابری کامل، احترام متقابل و عدم مداخله در امور داخلی یکدیگر باشد؛ - صلح و توسعه، مقولات کلیدی جهان امروز می باشند؛ - کنفرانس سیزدهم حزب کمونیست چین، با هیچ یک از مقولات سیاسی خارجی برخورد نکرد. در یک عبارت مختصر، این نشست فقط احساس رضایت خود را، با توافق آمریکا و شوروی در اصل سلاح های با سرد متوسط و کوتاه، اعلام کرد و از گزاینش به سمت شنجندانی شرق و غرب استقبال نمود. گزارشی به کنفرانس، اشاره نمود که "موقعیت کنونی بین المللی برای نوسازی سوسیالیستی کامتاسب است."

ریشه و علل درگیری در لبنان

بیش از دو هفته است که نبرد بین شبه نظامیان جنبش امل و حزب الله، در حاشیه های جنوبی بیروت ادامه دارد. نبرد های سنگین در حومه جنوبی بیروت از نظر وسعت و شدت در نوع خود بی سابقه است. تا کنون صدها نفر از مردم بیگنا هوشبه نظامیان طرفین به هلاکت رسیده اند و تلاش های نیروهای ملی و مترقی لبنان و حکومت سوریه، برای پایان دادن به این درگیری های خونین، بی نتیجه مانده است. اختلافات تعیین جنبش امل و حزب الله، در لبنان، از عوامل گوناگونی ناشی شده و سابقه ای طولانی دارد. اما آن چکه این بار، درگیری ها را سبب شده است، تقویت مواضع حزب الله در مناطق شیعه جنوب بیروت با کمک جمهوری اسلامی ایران و گسترش عملیات تروریستی، گروهان گیری و شنج آفرینی آن در لبنان بوده است. این مسائل به عنوان عوامل اصلی بروز درگیری های اخیر، گماکان مانع اصلی بر سر راه دستیابی به توافق میان سوریه و رژیم خمینی و آتش بس و قطع جنگ بین اسرائیل و حزب الله است.

یکی از علل اصلی جنگ های داخلی چندین ساله لبنان که وحدت ملی این کشور را شدیداً به مخاطره انداخته است، جدا سازی مردم لبنان بر اساس فرقه های قومی - مذهبی است. از زیر بار استعمارگران فرانسوی، برای حفظ سلطه استعماری خود، بر این جدایی جدایی می فرستادند و تا دین میزدند. تا آن که سرانجام به آن قانونیت نیز بخشیدند. وجود ساختار حکومتی غیردمکراتیک، به پایتختی که در آن استعمارگر در آن پست ها و مقامات دولتی بین جریان های قومی و مذهبی مختلف (مسیحیان، مسلمانان، شیعه و سنی، دروزها و...) به نسبت های مختلف تقسیم می شود، یک از علتهای مهم تشدید درگیری ها است. اختلافات در لبنان بوده و هست. این امر موجب آن شده که از حزب و جریان های سیاسی لبنانی بیرون مینمایند و مواضع قومی - مذهبی هواداران خود شکل گیرند و طبعاً تمام جنبه های تضاد و تعارض از حزب و گروه های سیاسی لبنان، بیرون کشیده می شود. منافع طبقه ای نیروها و هواداران خود را نمایندگی کنند، منافع و تمایلات شیعیان، دروزها، سنی ها، مسیحیان و... را از نگاه می دهند. منافع و منافع ملی را بین جریان های سیاسی لبنان نمی بینند و به سبب گروه های قومی - مذهبی گوناگون بر سر منافع موقعیت و افزایش سهم و نقش هر یک در آن نهادهای حکومتی و تلاش بر سر حفظ و گسترش منافع خود است که هر یک مستقل از حکومت مرکزی دارند. احزاب و جریان های مورد بحث، اهداف مذکور را با دامن زدن به گرایش های قومی - مذهبی طرفداران خویش، پیش می برند. بعضی از آنها، برای پیشبرد اهداف و برنامهمای خویش و تشویق حساب با رقبای خود، به حکومت های کشورهای دیگر متوسل می شوند. این امر سبب می شود که اوضاع پیچیده لبنان با دخالت و تاشیرسیاست های سایر کشورها، پیچیده تر شده و دست یافتنی به راه حل های دیگران تکیه برای حل و فصل نبردهای نیروهای ملی لبنانی و جنگ داخلی آن کشور، دشوارتر گردد.

دمکراتیک تر کردن ساختار حکومتی در لبنان و ایجاد دفاتر دموکراتیک که همه مردم، جدا از تعلقات قومی - مذهبی، حکومت مورد تمایل خویش را انتخاب کنند، تا بین اتحاد و یکپارگی احزاب و سازمان ها و نیروهای سیاسی ملی و مترقی لبنان و مبارزه متحد آنها به همراه سازمان آزادیبخش فلسطین، علیه امپریالیسم، ارتجاع و صهیونیسم، یگانوارا حل خاتمه بخشیدن به جنگ های داخلی ده ساله در لبنان و حفظ وحدت و یکپارچگی کشور است.

وضع دوسه ساله اخیر در لبنان که شاکت عمده آن، بحران همه جانبه اقتصادی است، زحمتکشان ملت ها و مزارع گوناگون را علیه نظام استعماری و سرمایه داری و مذهب قومی - مذهبی آنها، به اعتراض و مبارزه علیه وضع نابسامان اقتصادی، جنگ و خون ریزی و آذات شده است. این امر به نوبه خود بر شدت مبارزه طبقاتی افزوده و زمینه تضعیف گرایش های قومی - مذهبی را فراهم کرده است.

جنبش امل که بزرگترین سازمان سیاسی شیعیان لبنان است، طیف گسترده ای از قشرها و گروه های اجتماعی گوناگون، از بورژوازی متوسط و کوچک، خرده بورژوازی و گروه های از زحمتکشان شیعه مذهب لبنان را در بر می گیرد. امل، به میزانی مورد حمایت و پشتیبانی بورژوازی بزرگ شیعه نیست. حضور و وجود جناحها و گرایش های مختلف در رهبری امل، از این امر سرچشمه می گیرد. همچنین مواضع متفاوت و گاه متضاد جنبش امل در رابطه با مسائل داخلی لبنان، در این رابطه قابل توضیح است.

حزب الله، گروه قومی - مذهبی دیگری است که بنیادگرایان شیعه، سازمان دهندگان آنند. بدنه حزب الله، از نیروهای ملی و ضد صهیونیستی متشکل است، اما وابستگی و تبعیت بی چون و چرای رهبران این گروه، از رژیم ایران، آن را عملاً به عامل رژیم خمینی و پیش برنده سیاست های آن در لبنان تبدیل کرده است. بی جهت نیست که حزب الله لبنان، توسط رژیم جمهوری اسلامی تا بدست و دلنای ویژه ای تا مین مالی می شود. این گروه به دلیل نفوذ اندکش در میان شیعیان لبنان و غیرموجود بودن آن در تحولات سیاسی این کشور، می تواند به سبب تشنج آفرینی و توسل به اعمال تروریستی، خود را هر چه بیشتر مطرح سازد و در اوضاع سیاسی لبنان نقش ایفا کند. رژیم خمینی به عنوان حامی اصلی و گرداننده حزب الله تلاش می کند تا از این طریق در میان شیعیان لبنان برای خود، جای باز کند، اندیشه های ارتجاعی خود را تبلیغ نماید و به تمام ایلات توسعه طلبانه ای در منطقه، جامعه عمل عمل بیوشاید، اما گذشته از اینها، رژیم جمهوری اسلامی در پی آن نیست که با گروهان گیری در لبنان، امکاناتی برای معامله با امپریالیست ها به دست آورد و سیاست ارتجاعی خویش را در خدمت جنگ ایران و عراق، است، به شیوه تروریستی "سروامان" دهد. هیچ یک از گروه های تروریستی و مجبور نظیر "جبهه اسلامی"، مستضعفین روی زمین و مانند آنها، مستقل از حزب الله، وجود راجسی ندارند و از وابستگی آنند، بسیاری از وابستگان خمینی مستقر در لبنان، بدنه است که در مناسبات حزب الله لبنان حل شده اند و تحت نام آن فعالیت می کنند.

رژیم خمینی می تواند از طریق حزب الله، بدنه سازمان امل نفوذ کند و با خرید عناصر ارتجاعی و بنیادگرایان، سیاست های امل را تحت تاثیر خود قرار دهد.

یکی از مهم ترین عرصه های درگیری امل و حزب الله، تلاش و رقابت حزب الله با امل، بر سر گسترش نفوذ خود در میان شیعیان لبنان برای کسب رهبری آن است. تلاش ما را جویانه نه تنها موفقیتی با حمایت و تحریک جمهوری اسلامی پیش می رود.

جنبش امل از فعالیت های بنیادگرایان حزب الهی و رژیم ایران در میان شیعیان لبنان، ناراضی است. امل از تحریکات و تاشیرات حزب الله بر هواداران و نیروهای خویش ناخشنود است. بی اغراق بیش نفوذ حزب الله در جنوب لبنان و حومه های شیعه نشین بیروت مخالفت است. از تبعیت این جریان از رژیم خمینی دلخوشی ندارند و از همه مهم تر با گروهان گیری های حزب الله و تاشیرگذاری خرابکارانه و ما را جویانه بر رویه امل لبنان مخالفت می کنند.

این عوامل، از جمله مهم ترین علل بروز درگیری ها و اختلافات داخلی بین امل و حزب الله

است که این بار در خونین ترین شکل خود، در جنوب بیروت، به نبردهای سنگین مسلحانه انجام می دهد است.

همه احزاب و سازمان های ملی و مترقی لبنان، با عملیات تروریستی حزب الله در لبنان مخالفت می نمایند. اعمال راهبند امپریالیسم صهیونیسم می دانند. گروهان گیری و تروریسم حزب الله و جمهوری اسلامی در لبنان، موجب آن شده که صهیونیست ها تجا و مکرر به لبنان را توجیه کنند و امپریالیسم صهیونیسم و ارتجاع، مپروشنده تروریسم جنبش ملی و متروقی لبنان را بکوبند. افکار عمومی جهان را مخدوش سازند.

سوریه به عنوان همسایه لبنان و کشور خط مقدم جبهه عرب علیه اسرائیل، نمی تواند نسبت به تحولات اوضاع در لبنان بی تفاوت باشد. حکومت سوریه، اوضاع سیاسی و نظامی در لبنان را دقیقاً زیر نظر دارد و از مواضع ملی خویش به آن بیگانه نمی گردد. سوریه با تقویت نیروهای بنیادگرای اسلامی در لبنان موافق نیست، با گروهان گیری و عملیات تروریستی حزب الله که به نفوذ و اعتبار نیروهای سوریه در لبنان، به عنوان عامل ایجاد ثبات، لطمه وارد می کند، مخالفت است. سوریه نمی پذیرد که رژیم خمینی از طریق عملیات تروریستی حزب الله در اوضاع لبنان تا شیرکند رداو لال کند. زیرا این کشور نیازمند آن است که حضور نظامی خود در لبنان را به عنوان عامل ثبات و کنترل اوضاع آن کشور، به همه طرف های درگیر دول منطقه و جهان بقبولاند.

اهداف سوریه در لبنان در اوضاع کنونی، به اهداف نیروهای ملی و مترقی لبنان در جهت جلوگیری از گسترش نفوذ و تقویت نیروهای راست مسیحی لبنان از یک سو و بنیادگرایان اسلامی از سوی دیگر، انطباق دارد. در حالی که چندان به بیشتر به انتخاب ریاست جمهوری لبنان نمانده، سوریه نمی خواهد که نام آن را می دهد، مورد بهره برداری مسیحیان راست قرار گیرد.

سوریه به نوبه خود کوشیده و می کوشد تا از طریق نفوذ خود در امل، به اهداف خویش در لبنان، به عمل بیوشاید و موقعیت خویش را در این کشور تحکیم کند. نفوذ سوریه و جمهوری اسلامی بر دو گروه شیعه مذهب امل و حزب الله، موجب آن شده که روزهای اخیر، مذاکراتی بین نمایندگان سوریه و رژیم خمینی، برای آتش بس و قطع جنگ بین اسرائیل و حزب الله جریان یابد. این مذاکرات به دلیل وجود اختلافاتی که بر سر داریم، تا کنون بی نتیجه مانده است.

در این مذاکرات رژیم خمینی کوشید تا با نور و با طرح نقشه های گوناگون، مانع از ورود نیروهای ارتش سوریه برای استقرار آتش بس، به حومه های جنوبی بیروت شود. رژیم خمینی می دانند که ورود نیروهای سوریه به این نواحی، اختلالی در تصمیم گیری دربار سران حزب الله در اختیار سوریه قرار خواهد داد و به جلوگیری از فعالیت های آتی حزب الله در این مناطق و کاهش نفوذ جمهوری اسلامی در لبنان منجر خواهد شد. روشن است که استقرار نیروها در سوریه در حومه های شیعه نشین جنوب بیروت بر اساس هر طرح و توافق که صورت پذیرد، در مجموع به زیان جمهوری اسلامی و حزب الله خواهد بود و بر تحول آتی اوضاع به نفع دمشق و متحدان آن در لبنان، موثر خواهد افتاد.

در شرایط کنونی، گرایش بنیادگرایان مذهبی در جنبش ملی و مترقی لبنان، هر چه بیشتر به عامل منفی و بازنده تبدیل می شود. این گرایش تا یکی از عوامل مهم تفرقه و چند دستگی میان نیروهای ملی و مترقی لبنان است.

اتحاد همه نیروهای ملی و مترقی لبنان، اتحاد دو همگاری و همیاری آنها با سازمان آزادیبخش فلسطین و سوریه، در اوضاع و احوال بحرانی کنونی تا مل بسیار مهمی در مبارزه علیه امپریالیسم صهیونیسم و ارتجاع در منطقه لبنان خواهد بود. □

ارائه فرمها در کشورهای سوسیالیستی، "درک از سوسیالیسم را وسیع تر و ژرف تر می نماید. بر بستر این روند، طبیعی است که بعضی از احکام کنسار گذاشته شوند زیرا محدودیت های تاریخی آنها، آنان را از تویبانی ساخته بود، و نسبتاً سیر تکاملی از ما رکیسم و نظرات خط آمیزی که به آن نسبت داده می شد، با بی نظریت بود."

هر آنچه که به جریان رشد نیروهای مولده کمک می کند، با منافع بنیادی خلق سازگار است. بدین جهت، از سوسیالیسم تا موجدان است که در سوسیالیسم وجود داشته باشد. ... قضاوت زندگی بر اساس اصول مجردی مدل های اتویبانی به جای در نظر گرفتن رشد نیروهای مولده، فقط بی اعتبار کردن ما رکیسم خواهد بود."

کنگره برپا رسته از احکامی که حزب کمونیست چین، انگشت و درک آن از سوسیالیسم را تمسک می بخشد، صحت گذشت: ...

بقیه در صفحه ۳

وجود داشته باشد. کمیته مرکزی با بسند بلشویسمی خود را متناوباً برگزارد کند تا بتواند نقش موثری در تصمیمات جمعی ایفا کند. سازمان های محلی حزب نیز باید بر جریانی امروضا خلقی حزب را بهبود بخشند. این خود، املاح نظام انتخابیست در درون حزب و نحوه تعیین نامزدها برای انتخابات را طلب می کند. در انتخابات حزبی، تعداد کاندیدها، بیشتر از آنکه باید انتخاب شوند، منظور گردند."

مطبوعات توجیه ویژه ای را به بخشی از گزارش با تیتز "در پی دستیابی به پیروزی های نوین برای ما رکیسم در چین، بدلول می آید. در این بخش، سوسیالیسم با خصوصیات چینی به مثابه محصول در هم آمیختگی اصول اساسی ما رکیسم با نیروی محرکه مدرنیسم در چین، تعریف شده است. "خونجی"، اما راه می کند تئوری و پراکتیک سوسیالیسم علمی - براتیک ساختن آن در سندهای از کشورها و پراکتیک

